

**نگاهی به زندگانی و آثار
آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی**

به قلم محمدعلی کوشا

سرشناسه	:	نگاهی به زندگانی و آثار آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (1302 - 1385) به کوشش : محمدعلی کوشا (1331 -)
عنوان و نام پدیدآور	:	نگاهی به زندگانی و آثار آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی به کوشش : محمدعلی کوشا
مشخصات نشر	:	
مشخصات ظاهری	:	78 ص : مصور (رنگی) ، 11 × 19 / 5 س م .
شابک	:	
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
عنوان دیگر	:	معرفی آثار مرحوم صالحی نجف‌آبادی
عنوان دیگر	:	نگاهی به زندگانی و آثار
موضوع	:	آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی
موضوع	:	
رده‌بندی کنگره	:	
رده‌بندی دیوبندی	:	
شماره کتابشناسی ملی	:	

نام کتاب	:	نگاهی به زندگانی و آثار آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی
مؤلف	:	محمدعلی کوشا
تایپ ، تنظیم	:	محمدسعید پورحیدری
ویراستاری و صفحه‌آرایی	:	مهدی یاقوتیان
طرح جلد	:
انتشارات	:	
چاپ اول	:	زمستان 1395
تعداد	: نسخه
قیمت	:	
شماره تماس	:	
شماره شابک	:	- - - -
		کلیه حقوق نشر محفوظ است .

مقدمه

آشنایی این جانب با استادِ فرزانه و محققِ ژرفاندیش ، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی ، نخستین بار از طریقِ مطالعهٔ یکی از آثارِ ایشان آغاز شد . پس از تحصیلاتِ دورانِ دبیرستان و بعد از آگاهیِ تامّ و تمام از جوانب و زوایایِ طلبگی ، از زادگاهم بیجارِ گروس از استانِ کُردستانِ راهیِ شهرِ مذهبیِ قم شدم . پس از اسکان در حُجرهٔ یکی از مدارس ، دروسِ حوزوی را آغاز کردم . از قضا در ضمنِ مطالعاتِ جنبی با کتابِ « شهید جاوید » آشنا شدم . بعد از مطالعهٔ آن اثرِ پُرماجرا حَسَّ کُنْجکاوی‌ام برای آگاهی هرچه بیشتر از چند و چونِ قضایا مرا به سوی منزلِ نویسندهٔ آن کشانید .

نخستین بار پس از احوال‌پرسی نامم را پرسید و هدفم را از ورود به حوزه علمیه جویا شد ، آنگاه گفت :
 کلمه « کوشا » در زبان فارسی چه صیغه‌ای است ؟ گفتم :
 صفت فاعلی . به چند سؤال دیگر او نیز پاسخ دادم . از
 حاضر جوابی و صراحت گفتار و جدیت بسی خشنود شد
 و به گرمی و گشاده‌رویی مرا تحویل گرفت و تشویق کرد .

از آن پس در جنبِ دروسِ حوزوی هفته‌ای چندین
 ساعت به حضورش می‌رسیدم و او با تأنی و دقت فراوان
 به پرسش‌های گوناگون من در مسائل اعتقادی ، تفسیری ،
 تاریخی و اجتماعی پاسخ می‌داد .

نشاط و سروری که از جواب پرسش‌ها در روحم
 ایجاد می‌شد وصف‌ناشدنی است . شور و احساسم چنان
 بود که فاصله نسبتاً طولانی منزل استاد تا محل سکونتم را
 بی‌هیچ احساس خستگی ، پیاده طی می‌کردم و در طول
 مسیر ، پاسخ‌های او را تجزیه و تحلیل می‌نمودم ، و از
 اینکه توفیق حضور چنین روحانی دانشمند سنجدیه گفتار و
 خوش رفتاری - که بیانش گویای استواری در دانش و
 ژرف‌اندیشی در بینش بود - نصیب شده ، خدای را سپاس
 و ستایش می‌نمودم .

پس از تحصیلاتِ مقدّماتی و تکمیلِ دروسِ متوسطهٔ حوزوی که همزمان با پیروزی انقلابِ اسلامی شد رسماً به جرگهٔ شاگردانِ استاد صالحی در دروسِ فقه ، تفسیر ، علمِ الرّجال و نهجِ البلاغه پیوستم . مباحثِ استدلالی « ولایت فقیه » ، « خُمس و اَنفال » ، « جهاد اسلامی » و « فوائدِ رجالیه » از جمله بحث‌های گرم و پُر جاذبهٔ آن روز استاد بود .

استفادهٔ علمی من منحصر به شرکت در دروسِ او نبود بلکه بهره‌مندی‌ام از جلساتِ خصوصی دو نفری که ناشی از آمد و شد خانوادگی در منزل بنده و یا خانهٔ استاد بود به مراتب بیشتر و پُر بارتر بود .

استفاده و لذّتی که از درس‌های عمیقِ آن راسخ در علم می‌بردم مشابه آن را تنها در دروسِ خارجِ فقه حضرت آیت‌الله العُظمی منتظری احساس می‌نمودم و بس . گاه و بی‌گاه در جلساتِ خصوصی ، از گذشته‌های زندگی ، فراز و نشیب‌های دورانِ تحصیل ، شیوه‌های استفاده از اساتیدِ تأثیرگذارِ مفید ، و راه و رسمِ تحقیق از او پرسش می‌کردم . او از خاطراتِ خویش ، نکاتِ بس آموزنده‌ای بیان می‌داشت که امیدوارم شمه‌ای از آنها را در این مقدمه منعکس نمایم .

از نجف آباد تا قم

روان کاوان ، شخصیتِ هر انسانی را از سه مؤلفه متأثر می‌دانند : وراثت ، محیط ، تربیت .

استاد صالحی (ره) در خانواده‌ای پاک و مقبول همگان ، از پدر و مادری پرهیزگار در شهرستان نجف‌آباد اصفهان دیده به جهان گشوده بود . از خانواده‌ای صالح و زحمتکش که با اندیشه‌های ناب اسلامی برگرفته از تعلیماتِ عالمانِ آگاه و پرهیزگار پا به عرصهٔ زندگی نهاده بود . محیطی که از زمانِ علامهٔ ذوفنون مرحوم شیخ بهاء‌الدین عاملی که طرح و نقشهٔ شهر نجف‌آباد به دست او انجام یافته و تا کنون به « دارالعلم » و « دارالمؤمنین » معروف و مشهور بوده است .

طبیعی است در چنان فضایی که ارزش‌های اسلامی و انسانی و امورِ معنوی ، حاکم بر همه چیز است ، زمینه‌های رشدِ دانشوری مستعدّ چون صالحی نجف‌آبادی بیشتر و بهتر خواهد بود و او را به سوی تعالی و تکاملِ وجودی به عنوانِ شخصیتی برآزنده و تأثیرگذار پیش خواهد بُرد .

او دورانِ کودکی و نوجوانی‌اش را در آن شهر گذرانده و در پانزده سالگی با اندوخته‌ای از ارزش‌های معنویِ برگرفته از محیطِ خانواده و اجتماعش ، از نجف‌آباد ، راهی حوزۀ علمیۀ اصفهان می‌شود . اینجاست که پایهٔ سومِ شخصیتِ او که متأثر از تربیتِ مربیانی آگاه و دلسوز است بنیاد می‌گیرد .

او واردِ حلقۀ دروسِ استوانه‌های علمی آن روزِ حوزۀ اصفهان می‌شود و از محضرِ « آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب » که نوآوری‌های فقهی و شرحِ صدر و بینشِ باز و تقوای او بر اربابِ دانش‌های حوزوی پوشیده نیست ، استفاده‌های فراوان می‌برد . استاد صالحی بارها از آن فقیه فرزانه با تجلیل و تبجیل یاد می‌کرد و او را می‌ستود و به اندیشه‌های فقهی و اجتماعی او ارج می‌نهاد . شخصیتی که نماز جمعه را واجبِ تعیینی می‌دانست و بر اقامۀ آن اصرار می‌ورزید و در خطبه‌های جمعه ، مردمان را ارشاد و راهنمایی می‌کرد و حقایقِ نابِ قرآن و سنّت را با تائی بر آنان عرضه می‌داشت .

فقیهی که اهلِ حکمت بود و به حکمتِ نظریِ جامعۀ عمل می‌پوشاند و مسائلِ نابِ اعتقادی را در گفتار برای عمومِ نمازگزارانِ جمعه با نصایحِ برگرفته از سنّتِ پیامبر

اکرم (ص) و اهل بیت پاک او به روشنی و روانی بیان می نمود . اندیشه های بکر حاج آقا رحیم ارباب در تکوین شخصیت علمی استاد صالحی تأثیرگذار بوده و زمینه های فقاقت و قرآن پژوهی را در نهاد او تسریع بخشیده بود .

عالم ارجمند دیگری که در تربیت او نقش فراوان داشته ، دایمی اش « مرحوم آیت الله شیخ محمدحسن عالم نجف آبادی » از اساتید برجسته آن روز حوزه اصفهان بوده است . او الگویی بس ارزشمند در دانش و بینش برای مرحوم صالحی به حساب می آمده که بارها از مقام علمی و تقوا و اظهار ادب و ارادتش به سالار شهیدان ، حضرت ابی عبدالله (ع) و داستان استشفای او به تربت امام حسین (ع) در هنگام بیماری سخت و بهبود او بر اثر خوردن آن تربت پاک ، یاد می کرد .

علاوه بر او از استاد دیگرش « مرحوم میرزا علی آقا شیرازی » به نیکی و بزرگی یاد می نمود . تقوا و پارسایی ، قناعت و ساده زیستی ، صفا و صداقت مرحوم میرزا علی آقا شیرازی در تربیت و تزکیه نفس استاد صالحی تأثیر بسزایی داشته است . از دیگر اساتید او در اصفهان

« مرحوم آیت‌الله فیاض اصفهانی » بوده که از چهره‌های علمی حوزه به شمار می‌رفته است .

استاد صالحی پس از فراغت از دروس سطوح حوزوی در اصفهان ، در سال 1325 شمسی برای ادامه تحصیل دروس خارج فقه و اصول وارد حوزه علمیه قم می‌شود و به جرگه شاگردان « مرحوم آیت‌الله سیدمحمد داماد » که از مدرسان دقیق فقه و اصول بوده می‌پیوندد و از دروس فقه و اصول « امام خمینی » (ره) نیز بهره‌ور می‌گردد و همزمان با آن در درس‌های عمیق و پُربار « مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی » شرکت می‌کند و در ژمره شاگردان علاقه‌مند و پایبند به او در می‌آید .

مرحوم آیت‌الله صالحی به مناسبت‌های گوناگون در جلسات بحث ، با عظمت و احترام فراوان و ستایش در خور ، از فقاهت و شیوه تدریس و کیفیت ورود به بحث و خروج از آن ، از آیت‌الله بروجردی یاد می‌کردند و سبک و شیوه او را بی‌نظیر می‌دانستند و بارها تعمق و ژرفنگری آن مرحوم را در مسائل رجالی و کیفیت استنباط مسائل فقهی می‌ستودند . او « فقه‌مقارن » یا به تعبیر دیگر « بررسی آرای فقهای اهل سنت پا به پای بیان آرای

فقیهان شیعه را از سوی آیت‌الله بروجردی ، یادآورِ تفقه شیخ طوسی و علامه حلی می‌دانست .

تأثیرگذاری شیوه تدریس آیت‌الله العظمی بروجردی بر ذهن و زبان شاگردانش کم و بیش از جمله تحولات بدیع و پُربَرکتِ علمی در حوزه علمیه قم در نیم قرن اخیر به حساب می‌آید که امروزه هیچ دانشورِ فقه‌پزوه محققِ آن را انکار نمی‌کند ، و شاید در میان شاگردانِ آن فقیه بزرگ هیچ کدام مانند فقیه عالیقدر آیت‌الله العظمی منتظری و آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی در گفتار و نوشتار ، آن سبک و شیوه را ادامه نداده باشند . این دو بزرگوار در مسائل و مباحثِ مربوط به فقه و اصول و حدیث ، شیوه پُراج و ماندگار آیت‌الله العظمی بروجردی را به خوبی منعکس نمودند و به نحوی آن « منهج استوار » را زنده نگه داشتند و به شاگردان خویش نیز منتقل ساختند .

استاد صالحی پا به پای مباحثِ فقه و اصول ، در درسِ فلسفه مرحوم علامه طباطبایی نیز شرکت کردند و « منظومه سبزواری » و « اسفارِ ملأ صدر » را از محضرِ آن حکیم نامی آموختند و بعداً خود نیز دو دوره به تدریسِ « منظومه » پرداختند .

به موازاتِ تحصیلِ علومِ عالیّهٔ حوزوی در قم ، به تدریسِ « ادبیاتِ عرب » ، « شرحِ لمعه » ، « رسائل » و « مکاسب » و « کفایة الاصول » پرداختند و تا سال 1352 شمسی (یعنی سالِ تبعید شدنش) از مُدرّسینِ برجستهٔ دروسِ مذکور محسوب می‌شدند و پس از آن نیز به تدریسِ « خارجِ فقه » ، « علم الرجال » ، « تفسیر » و « حدیث » پرداختند .

بیانِ رسا و تفهیمِ گویایِ او ، حلقهٔ درسش را گرم‌تر ، باشکوه‌تر و پُر جاذبه‌تر نموده بود به گونه‌ای که بیشترِ فضلاءِ نامدارِ حوزه از شاگردانِ حوزهٔ درسِ او بودند . آقایان : مهدوی کنی ، طاهری اصفهانی ، محمدی گیلانی ، احمد جتّی ، هاشمی رفسنجانی ، ربّانی آملشی ، حسن صانعی ، محمد یزدی ، رضا استادی ، مصطفی خمینی ، اسدالله ایمانی کازرونی ، بنیادی کازرونی ، حسین انصاریان ، سیدمحمد روضاتی ، سیداحمد روضاتی ، سیدعلی غیوری نجف‌آبادی ، باریک‌بین قزوینی ، مصطفی زمانیان نجف‌آبادی ، سیدمحمود دعایی ، سیدحسین مدرّسی طباطبایی ، حسین ایرانی ، موسوی یزدی ، ناطق‌نوری ، لاهوتی اشکوری و محفوظی از آن جمله‌اند .

مبارزاتِ سیاسی

استاد صالحی نجف‌آبادی در تحکیم مرجعیتِ امام خمینی (ره) نقش بسزایی داشت . او در تاریخ 16 / 3 / 1349 زیباترین و در عین حال جامع‌ترین و کوتاه‌ترین عبارت را در معرفی مرجعیتِ امام نوشت . عین عبارتِ او چنین است : « صلاحیتِ مرجعیتِ عامّه حضرتِ آیت‌الله العظمی آقای خمینی مُدَّ ظَلُّهُ الْعَالِی از قضایایی است که قیاساتِهَا مَعَهَا وَ كَالنَّارِ عَلَی الْمَنَارِ وَ الشَّمْسِ فِی رَائِعَةِ النَّهَارِ . تأیید و ترویج و تقویتِ معظّمٌ لَهُ وَ وَظِیفَةُ شَرَعِی هِر فِرْدِ مُسْلِمَانِ عِلَاقَه‌مِنْد بَه اِسْلَامِ وَ مِصَالِحِ مُسْلِمِیْنِ اسْتِ » .

علاوه بر آن ، ایشان از همان آغازِ مبارزه امام خمینی (ره) از شخصیت‌های علمی و موردِ توجّه حضرت امام بوده که از طرفِ معظّمٌ لَهُ اِجَازَةُ تَصَدِّی در امورِ حسیّیه و تصرّف در وجوهِ شرعیّه و اخذِ سَهْمِیْنِ بَه صُورَتِ کِتَبِی بَه او داده شده بود و نیز او جزو کسانی بود که صلاحیتِ مرجعیتِ امام را امضا کرده بودند . بدین جهت پس از تحمّلِ دورانِ کوتاهی در زندان ، در سال 1352 به همراه آیت‌الله منتظری دستگیر و به سه سال تبعید محکوم شد . سال اوّل را در ابهر زنجان ، سال دوم را در تویسرکان و سال سوم را در مهاباد گذراند .

او بر خلافِ دیگر تبعیدی‌ها در دورانِ تبعید ، از عواملِ ساواک - در لباسِ روحانی و غیرروحانی - رنجِ فراوانی بُرد و مشقّت‌های روحیِ جانگدازی را تحمّل نمود می‌گفت : « عواملِ ساواک از طرفی مردم ساده‌دل را به بهانهٔ اینکه من دشمنِ امام حسینم ! بر ضدّ من بر می‌انگیختند که در کوچه و بازار به من توهین کنند و از طرفی هم با تبلیغاتِ غلط ، اذهانِ روحانیونِ محلی را چنان علیه من آشفته کرده بودند که حکمِ تکفیر مرا صادر می‌کردند و هیچ‌کدام هم حاضر به بحث و گفت و گو با من نمی‌شدند ! در طولِ یک سالی که در توپس‌رکان بودم بر من خیلی سخت گذشت . افرادی ، شب‌ها منزلِ مسکونی‌ام را سنگباران می‌کردند . بچه‌ها که کوچک‌سال بودند می‌ترسیدند و علّتِ آن را می‌پرسیدند ، می‌گفتم : نرسید ، چیزی نیست ، این سنگبارانی از سویِ چند تا جنّ سرکش است که به زودی آنها را رام خواهم کرد ! وقتی که برای خریدنِ نانِ سنگک به نانوايي می‌رفتم بعضی قُرْبَةً اِلَى الله ! با سنگ‌های داغی که از سنگک جُدا می‌کردند مرا هدفِ خود قرار می‌دادند ! یک روز به چند نفر از علمای شهر به وسیلهٔ شخصی از بازاریانِ متدینِ پیغام دادم : هر جا که شما انتخاب کنید برای بحث و گفت و گو آماده‌ام ، ولی آنها نمی‌پذیرفتند و حتّی اگر با آنان به طورِ

اتّفاقی در خیابان و کوچه و بازار رو به رو می‌شدم روی
را بر می‌گرداندند و مسیر را تغییر می‌دادند که حتّی سلام
کردن مرا نشنوند!

ای کاش کار به همین جا ختم می‌شد! آنها روی منبر
هر تهمت و افتزایی که دلشان می‌خواست نثار من
می‌کردند که کم‌ترین آنها اتهام و هائیکری بود! و سرانجام
پس از تکفیر و تفسیق، حکم به نجس بودن من می‌دادند
تا کسی جرأت ارتباط با من را نداشته باشد! البتّه در آن
روزگار سخت، پس از مدّتی چند نفر از طلباب فاضل و
چند نفر از بازاریان، پس از کشف حقایق و آگاهی از
توطئه‌های ساواک، به سوی من گرایش پیدا کردند و
مدافع من شدند.»

آری، استاد صالحی نجف‌آبادی نمونه بارز صبر و
استقامت در هدف راستین خود بود. او بیدی نبود که با
این بادهای بلرزد، او مصداق «**كَلْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُهُ
الْعَوَاصِفُ**» بود. شکیبایی و بُردباری‌اش منبعث از ایمان
استوارش بود. ایمانی که با تحقیق و اجتهاد به دست
آورده بود نه با تقلید و تلقین. او در چیزی که به یقین
می‌رسید سخت پایدار و استوار بود و تصمیمش بر اساس
باور قطعی‌اش بود. در راه حقّ و پی‌جویی حقیقت،

لحظه‌ای درنگ نمی‌کرد، و هیچ تهدید و تطمیعی او را از هدفش باز نمی‌داشت.

آخرین حربهٔ مخالفانش در حوزهٔ قم این بود که شهریهٔ طلبگی او را قطع نمایند و روضه‌خوان‌ها را بر ضد او برآشوبند و یا در صددِ تطمیعی او برآیند! ولی هیچ‌کدام از این امور بر ارادهٔ نیرومند او کارگر نشد. داستان زیر را از زبان او بشنوید که شنیدنی است: «در زمانی که عواملِ مرئی و نامرئی ساواک و افرادِ فریب‌خورده، جنجالِ شدیدی بر ضد «شهید جاوید» آفریده بودند، یک روز آقای عبایی خراسانی و آقای غروی (که پس از انقلاب مدتی با آقای مهدوی کئی در کمیتهٔ انقلاب اسلامی همکاری می‌کرد) در قم به منزل ما آمدند. آقای غروی نوشته‌ای را به این‌جانب داد و گفت: ما از طرفِ فلان بیت آمده‌ایم و آقا فرموده‌اند: نویسندهٔ «شهید جاوید» این نوشته را امضا کند تا منتشر کنیم و کتابِ نامبرده مردود اعلام شود و دیگر چاپ نشود و غائله خاتمه یابد و نیز فرموده‌اند: من همه خسارت‌هایی را که از این راه به ایشان وارد می‌شود جُبران می‌کنم.

من آن نوشته را که از زبان این‌جانب نوشته بودند تا آن را امضا کنم خواندم خلاصهٔ آن چنین بود: «من اقرار

می‌کنم که آنچه در کتاب شهید جاوید نوشته‌ام باطل است و بدین وسیله اعلام می‌نمایم نظری که درباره قیام امام حسین (ع) در کتاب نامبرده داده‌ام اشتباه بوده است . «

همین که این نوشته را خواندم آتش گرفتم و بی‌اختیار به یاد گاليله افتادم که اربابِ کلیسا زیر برقِ سرنیزه او را از تحقیقی که درباره حَرَکَتِ زمین کرده بود توبه دادند! با خود فکر کردم : خدایا ! مگر ما در قرونِ وُسطی زندگی می‌کنیم که می‌خواهند یک نویسنده را از تحقیقی که کرده است توبه دهند؟! بارالها ! این چه منطقی است که می‌گویند : خسارت‌های مالی را جبران می‌کنیم ؟ مگر علم و اجتهاد را می‌توان با پول معامله کرد ؟ مگر ممکن است حقیقتی را که با مطالعاتِ طاقت‌فرسا به دست آورده‌ام و اجتهاد کرده و نوشته‌ام اینان به دستِ خودم ذبحش کنند و دیهٔ آن را بپردازند؟! «

در آن هنگام ، سخت ناراحت بودم ، توبه‌نامه را به عنوانِ یک ورق‌پارهٔ بی‌ارزش با خشم و ناراحتی پاره پاره کردم و دور ریختم و گفتم : آنچه اکنون از من دیدید بروید و به آقا برسائید و بگویید : من هرگز تسلیمِ ظلم و زور نمی‌شوم و حقیقتی را که یافته‌ام باطل اعلام نمی‌کنم . «

او از سرِ درد باز داستانِ دیگری را تعریف می‌کرد که آن هم شنیدنی است: «در حدودِ سال 1350 شمسی یک روز دوستِ قدیمی‌ام آقای ابراهیم امینی از سرِ دلسوزی بدونِ اطلاعِ قبلی به منزلم آمد و گفت: من آمده‌ام از شما خواهش کنم که اعلامیه‌ای منتشر کنید و در آن بنویسید: «آنچه در شهید جاوید نوشته‌ام باطل بوده است.» و خود را از این فتنه و غائله راحت کنید.

من از این پیشنهاد بی‌اندازه تعجب کردم: زیرا چیزی را که باید از دشمن بشنوم از این دوستِ قدیمی می‌شنیدم! به ایشان گفتم: آیا شما می‌گویید: چیزی را که صد در صد یقین دارم حقّ است و برای تحقیقِ آن رنجِ فراوان بُرده‌ام حالا اعلام کنم باطل است؟! اگر چنین کنم هم دروغ گفته‌ام و هم حقیقتی را پایمال کرده‌ام و هم رنجِ چندین ساله خود را به هدر داده‌ام. گفتم: شما دارید پیشنهادِ انتحار به من می‌دهید، ولی بنده به حول و قوه خدا هرگز چنین کاری نخواهم کرد و از اینکه شما به من پیشنهادِ کارِ سفیهانه و عملِ انتحاری می‌دهید بسیار متعجب و متأسفم!»

او از دورانِ تبعیدی‌اش در مهاباد تعریف می‌کرد. شهری که در آنجا سخت احساسِ غربت می‌کرده است.

شهری که مردمانِ شافعی‌مذهب آن در بدو امر توجّهی به او ننموده بودند . احساسِ بیگانگی مذهبی از یک طرف ، تبلیغاتِ سوءِ ساواک و آلودنِ فضای اجتماعی بر ضدّ او از طرفِ دیگر ، و وابستگیِ شماری از ماموستاهای مهاباد به دربارِ شاه ، عرصه را بر او و دیگر مبارزانِ همفکرِ او سخت تنگ کرده بود . در چنان شرایطی ، این عالمِ مجاهد خود را در زندانی به بزرگیِ شهرِ مهاباد احساس می‌کند .

می‌گفت : « در یکی از روزها که در اوجِ غربت و تنهایی بودم و سخت احساسِ غریبی و تنهایی داشتم ، ناگاه دیدم شهید مطهری رضوان الله علیه ، به دیدنم آمد . گویی که تمام دنیا را به من داده‌اند ، فوق‌العاده خوشحال شدم و من هرگز آن مهر و محبّت صمیمانه را از آن شهیدِ فرزانه از یاد نمی‌برم . خداوند بر درجانش بیفزاید . »

این فقیه و محققِ خبیر در اوجِ غربت و احساسِ تنهایی ، سرانجام ، نقشِ تبلیغی خود را ایفا می‌کند و به سراغِ عدّه‌ای از ماموستاهای سرشناسِ آنجا از جمله شیخ عزالدین حسینی می‌رود . او در این باره چُنین می‌گفت :

« شیخ عزالدین حسینی شخصی درس خوانده و اهلِ استنباط بود حتّی در شماری از مسائلِ فقهی نظرِ شافعی را

قبول نداشت و طبق اجتهادِ خود عمل می‌کرد ، ولی در خطبه‌های جمعه به مدح و ثنای شاه و دربار می‌پرداخت ! یک روز در جلسه‌ای به او گفتم : حیف نیست که شما با چنین فضلی به مدح و ثنایِ ظالمِ پیردازید؟! در جوابم گفت : ما چاره‌ای نداریم ؛ زیرا در حالِ اضطرار خوردنِ مُردارِ حتیِ گوشتِ خوک هم جایز است ! اما این آدم پس از پیروزی انقلابِ اسلامی، انقلابی‌تر از همه شده بود ، به گونه‌ای که اعلام کرده بود : اگر جبرئیل هم نازل شود تا به کردستان خودمختاری داده نشود چیزی را نخواهم پذیرفت !

با همه اینها می‌شد با او کنار بیایی و بابِ مذاکره و گفت و گو با او را به نتیجه برسانی . به همین جهت تلاشِ فراوانی کردم که بلکه طیّ ملاقاتی با امام خمینی یادآور شوم که : بالأخره به گونه‌ای می‌شود شیخ عزالدین را مُعْجاب نمود و از طریقِ مذاکره بسیاری از مشکلات را برطرف ساخت و به وسیلهٔ او و دیگر شخصیت‌های کُرد ، مردمِ آنجا را آرام کرد . ولی موانعی پیش آمد و چنین رسالتی انجام نشد ! «

استاد صالحی از بحث‌ها و گفت و گوهای علمی خود با غلمای مهاباد سخن می‌گفت : « در جلسه‌ای که حدودِ

هفده نفر از ماموستاها از جمله شیخ عزالدین حضور داشتند یکی از آنها به نام شیخ عمر در مقام اعتراض به کتاب « شهید جاوید » گفت : چرا در این کتاب به حضرت معاویه توهین کرده‌ای؟!

گفتم : هر چه درباره معاویه نقل کرده‌ام از منابع و مآخذ دستِ اوّلِ خودِ اهلِ سنّت است . آیا شما منابع تاریخی خودتان را هم قبول ندارید؟! ناگهان شیخ عزالدین به طرفداری از من ، گفت : شیخ عمر! آخر این چه حرفی است که تو می‌زنی! مگر معاویه هم قابل دفاع است؟ برو تاریخ بخوان .

سپس یکی از آنان گفت : امام شافعی دارای کتاب بزرگِ فقهی « الأمّ » و صاحب فتواست ، ولی امام صادق شما که این همه در مقام علمی‌اش می‌گویند و می‌نویسند جُز منقولاتی که به او نسبت می‌دهند کتابی ندارد .

من بلافاصله گفتم : آیا شما کتاب « الأمّ » را خوانده‌اید؟ گفت : نه ، نخوانده‌ام . گفتم : اما من آن کتاب را خوانده‌ام در مقدمه آن آمده که کتاب « الأمّ » به قلم یکی از شاگردان امام شافعی به نام ربیع بن سلیمان مرادی است . بنابراین ، این کتاب نه به قلم شافعی بلکه

تقریراتِ درسِ اوست و در بسیاری از مسائل حتی در موضوعی واحد دو فتوای گوناگون از او نقل شده است .

آنان از اینکه یک عالمِ شیعی به آثارِ مکتوبشان این همه توجه و تسلط دارد متعجب شده بودند و از آن پس با من به گرمی برخورد کردند و به دیدِ احترام می‌نگریستند و همین امر سبب شد که اندکی از غربت و تنهایی به درآیم .»

خاطرهٔ جالبِ دیگری که آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی برایم نقل کرد مربوط به سفرِ حجّ اوست : « در آغازِ مرجعیّتِ مراجعِ بعد از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی ، توفیقِ حجّ تمتع نصیبم شد . پس از تشرّف و بازگشت از خانهٔ خدا ، شماری از بزرگانِ حوزه به دیدنم آمدند که از جملهٔ آنها حضرت آیت‌الله حاج سید محمدرضا گلپایگانی بود که به منزل تشریف آوردند و ضمنِ احوال‌پرسی ، داستانی را از سفرِ حجّ خودش که چندین سال پیش از سفرِ حجّ من انجام شده بود تعریف کردند .

فرمودند : در سالی که در سفرِ حجّ ، در مدینه به مسجدالنبی مشرف شدیم و در گوشه‌ای از مسجد آمادهٔ اقامهٔ نماز شدیم یکی از همراهانِ ما اذان گفت و در آن

پس از شهادتین ، جمله « أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ » را با صدای بلند خواند ، پس از آدایِ نماز یکی از مأموران او را دستگیر می‌کند و به رئیسِ دایرهٔ امر به معروف و نهی از منکر تحویل می‌دهد که چرا در اذان چُنین جمله‌ای را بر زبان آورده است ؟

آن مأمور با آب و تابِ تمام به رئیسِ خود می‌گوید : این آقا چُنین جُرْمی را مرتکب شده است و باید محاکمه شود . رئیس می‌گوید : جُرْمِ او فقط همین بوده است ؟ مأمور می‌گوید : آری . رئیس می‌گوید : اگر به خاطر چُنین چیزی او را احضار کرده‌ای « وَ كَذَلِكَ أَنَا أَقُولُ : أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ » ! سپس او را آزاد می‌کند و هیچ‌گونه آزاری هم به او نمی‌رسانند و پس از آن ، برخوردِ احترام‌آمیزی هم با ما داشتند . «

هرچند سالیان بعد ، شُماری از عُلَمایِ حوزهٔ قم از جمله حضرت آیت‌الله العُظمی گلپایگانی به جهتِ کتابِ « شهید جاوید » رابطهٔ حسنهٔ سابقِ خود را با آقای صالحی قطع کردند و نیز مرتبطانِ بعضی از بیوتِ مراجع ، برخوردهای تندی با نویسندهٔ « شهید جاوید » داشتند و کسانی دیگر هم رنج و آزارِ فراوانی بدو رساندند ولی او هرگز به هیچ یک از آنان اهانت نکرد ، بلکه گاهی به

تمجید و تعریفشان هم می‌پرداخت که : این آقایان همگی محترمند ، عقیده خودشان را اظهار می‌دارند ، و نباید اظهار نظرها که امری طبیعی است ما را از کوره به در کند . آری ، در این مدت معاشرت سی ساله من با این استاد متواضع ، هرگز غیبتی از او نشنیدم ، بلکه ناقدان خود را انسان‌های متدین و با صداقت و یکرنگ می‌دانست که از سر دینداری احساس نقد نظریات او را دارند و حتی می‌گفت : یکی از آنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از من طلب حلیت نمودند و من هم با گرمی و دوستی با او برخورد نمودم .

شیوه تحقیق استاد صالحی

واقع مطلب این است که عمده شیوه تحقیق استاد صالحی نه به سبک حوزویان است و نه به شیوه دانشگاهیان . او در این باره منحصر به فرد است و شیوه خاص خود را دارد . امور زیر از جمله ویژگی‌های تحقیق اوست :

1 - به کارگیری عنصر « عقل » در استنباط مسائل فقهی ، تفسیر آیات قرآن ، و تحلیل مسائل تاریخی و اجتماعی نمونه‌های بارز این شیوه در موضوعات زیر که مورد بحث

و بررسی آن فقیه اندیشمند قرار گرفته به وضوح نمایان است :

(الف) بحثی در طهارت و نجاست

(ب) بحثی در اخبار کُرّ

(ج) بحثی درباره طهارتِ کافر

(د) بحثی در تفسیر آیه محاربه و احکامِ فقهی آن

(ه) مباحثِ مربوط به جهاد در کتاب « جهاد در اسلام »

(و) تفسیرِ سوره یوسف

(ز) فلسفه قیامِ امام حسین (ع) در کتاب « شهید جاوید »

2_ نقد و بررسی مدققانه در حدیث‌شناسی

استاد صالحی در هر موضوعی از موضوعات که وارد بحث می‌شد چه در فقه و چه در تفسیر و یا تاریخ ، به گونه دقیق به بررسی احادیث و اخبار آن موضوع از جهت سند و متن می‌پرداخت و علاوه بر آن ، آن را با قرآن می‌سنجید ، و سپس در سنجۀ عقل می‌گذارد و آنگاه با واقعیت‌های تاریخی تطبیق می‌داد که آیا مثلاً فلان روایت

از جهتِ مضمون و محتوا ، مطابق با واقعیت‌های محسوس و ملموسِ خارج از ذهن هست یا خیر ؟

مثلاً اگر در روایاتی سخن از جابلقا و جابلسا و یا قرار گرفتن زمین روی شاخِ گاو و یا نزولِ فلان ستاره به منزلِ امیرالمؤمنین علی (ع) و امثال آنها به میان آمده ، آیا چنین اموری می‌تواند وجودِ خارجی داشته باشند یا خیر ؟

مسائلی از این قبیل فرضاً اگر با سندِ صحیح هم نقل شده باشد ، طبیعی است که نمی‌تواند مطابق با واقع باشد بلکه جایگاهِ آنها صرفاً در دایرهٔ وهم و خیال خواهد بود .

3- رعایتِ اصولِ ادبی و ارائهٔ نثری روان در تمام نوشته‌ها

نثرِ شیوا و گویای استاد صالحی در میانِ حوزویان از امتیازاتِ فراوانی برخوردار است . نثرِ او خوش‌خوان‌ترین و پُر جاذبه‌ترین نثرِ حوزوی به زبانِ فارسی در نیم‌قرنِ اخیر است . کتابِ « جمالِ انسانیت » و « شهید جاوید » مصداقِ بارزِ « نثرِ معیارِ امروزی » اوست که استواری در جمله‌بندی آنها با چینشِ واژه‌های نرم و لطیف درهم آمیخته و نثری دلنشین و مطبوعِ طبعِ همگان با مفاهیمی بس والا در قالبِ نثری ساده عرضه گردیده است .

4- عفتِ قلم و سلامتِ نقد

استاد صالحی با اینکه از قدرتِ نقّادی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود ، ولی او هرگز این موهبتِ بزرگ را با تحقیر و توهین نیالود ، و از مرزِ ادب و عفتِ قلم خارج نگردید . سلوکِ نیکوی نقّادی او در کتاب « نگاهی به حماسهٔ حسینی شهید مطهری » درسی بس آموزنده و شیوه‌ای بس راهگشا برای اهلِ نقد و بررسی است . او پا به پای بیانِ ضعف‌های این کتاب ، از اظهارِ قوّتِ آن دریغ نورزید و از جادّهٔ عدل و انصاف خارج نشد .

5- باطل‌ستیزی و خرافه‌گریزی

مرحومِ استاد احمد آرام در تقریظی که بر کتابِ « شهید جاوید » نوشته است می‌گوید : « در این زمان چون مردم کتابخوان شده‌اند بسیاری از روضه‌خوانانِ قدیمی روضه‌نویس شده‌اند و در این سال‌های اخیر از این کتاب‌ها بسیار منتشر شده که اکثرِ آنها مُفت نمی‌آرزد و من کم‌تر به خواندنِ چنین کتاب‌هایی هوس می‌کنم و کتابِ مستطاب « شهید جاوید » را که مدّت‌هاست منتشر شده به همین جهت اصلاً ورق نزده بودم ولی به دلیلی ضرورت

پیدا کرد که آن کتاب را بخوانم و چون آن را به دست گرفتم تا تمام نکردم بر زمین نگذاشتم .

دریافت و احساس من از کتاب نامبرده این بود که :
 سبک نویسنده آن متین و جالب و مطالبش بلند و عقل‌پسند و استدلال‌هایش قوی و محکم و منطقی قوی و رسا و روشن و تحقیقاتش روشنگر چهره واقعی قیام آسمانی سرور مجاهدان و جوابگوی بسیاری از اشکالاتی است که در اطراف نهضت مقدس امام حسین (ع) در دل روشنفکران بود ... از خدای بزرگ مسئلت دارم به آقای صالحی نجف‌آبادی فرصت و قدرت و شکیبایی عنایت فرماید تا با قلم معجزشیم خود کتابی تألیف کند و در آن با همان روش اسلامی و عقلائی معلوم کند چه چیزهایی از مسلمانی نیست که بیش از آن چیزها که از مسلمانی است و رنگ دین به آن زده شده است . «

مرحوم استاد صالحی با نوشتن کتاب « غُلُو ؛ در آمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین » در واقع به این درخواست مرحوم استاد احمد آرام لَبَّیک گفته‌اند و خرافه‌هایی را که رنگ دین و مذهب به آن داده شده است ، افشا نموده‌اند .

6- مرعوب نشدن در مقابلِ چهره‌های ممتازِ علمی و اجتماعی در مقامِ تحقیق

این دانشمندِ فرزانه در تحقیقاتِ علمی ، هرگز تحتِ تأثیرِ شخصیت و شهرتِ شخصیت‌های علمی و اجتماعی واقع نشد و عظمتِ علمی و شهرتِ اجتماعی هیچ‌یک از دانشمندانِ نامی ، او را از مسیرِ تحقیقِ بی‌طرفانه تحتِ تأثیر قرار نداد و موقعیتِ اجتماعی و شهرتِ علمی کسی او را مرعوب نساخت . نقدِ عالمانه نظریاتِ شماری از شخصیت‌های حوزوی در کتابِ « عسای موسی » از جمله مرحومِ آیت‌الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی و مرحومِ علامه طباطبایی نمونه‌ای از این قبیل است .

7- آزاد اندیشی

در این باره ، مرحومِ استاد صالحی را باید شخصِ شاخصِ برجسته و کم‌نظیر بلکه از جهاتی بی‌نظیر در میانِ حوزه‌های علمی به حساب آورد . او بارها بیان می‌داشت : « پس از مدتی تحصیل در همه چیز شک کردم و تصمیم گرفتم تمام آنچه را که از راه تلقین و تقلید در ذهنم رُسوب کرده بود دور بریزم و با نگاهی علمی و عقلی و دور از یافته‌ها و بافته‌های این و آن ، بُنیادهای اعتقادی

خود را بُنیان نَهَم و آزادانه بیندیشم و آزادانه مسائل را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم . بنابراین آنچه را که بدان دست یافته‌ام ، با تحقیق و تفکر ، بر اساس دلایل متقن و محکم به دست آورده‌ام ، به گونه‌ای که هیچ شک و تردیدی در آنها ندارم و جزو باورهای قطعی و صد در صد من است . «

آری ، نمونه بارز آزاد اندیشی او در کلام ، فقه و تاریخ ، آثار تحقیقی اوست . در این باره کافی است که کتاب « مجموعه مقالات » ، « پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی » و « قضاوت زن در فقه اسلامی » مورد مطالعه قرار گیرد .

8- استقلال علمی

بارزترین ویژگی این استاد نامدار ، استقلال علمی اوست . اصولاً آزاد اندیشی ، خرافه‌ستیزی و مرعوب‌نشدن در مقابل چهره‌های علمی ، منبعث از استقلال علمی است . او آنچه را خوانده بود ، خوب و عمیق و پُخته خوانده بود و در هر مسئله که تحقیق کرده بود به عمق و کُنهِ آن رسیده بود . او هیچ تحقیقی را نیمه‌کاره رها نمی‌کرد ، و در راه دست‌یابی به حقیقت لحظه‌ای باز نمی‌ایستاد . طبیعی است

چُنین محققی که دستاوردهای تحقیقی‌اش را با کَدِّ یَمین و عَرَقِ جَبین به دست آورده و در تمامِ آنها راهِ استدلال و اجتهاد را پیموده و جزوِ باورهای قطعی و یقینیاتِ او شده است ، هرگز با تهدید و تطمیع ، آنها را از دست نخواهد داد .

موخِّد چو در پای ریزی زَرش

چو شمشیر هندی نَهی بر سرش

هراس و امیدش نباشد ز کس

براین است بنیادِ توحید و بس

او به کارهای نیمه‌تمام و تحقیقاتِ اَبتر و نارسا و قعی نمی‌نهاد و اگر در مسیرِ کارِ نیمه‌تحقیق ، سؤالی از او می‌شد با صراحتِ تمام می‌گفت : نمی‌دانم ! زیرا تا خود در مسئله‌ای به یقین نمی‌رسید آن را برای دیگران بیان نمی‌کرد و در صورتِ اصرارِ پرسش‌کننده ، تنها می‌گفت : هنوز در این باره تحقیق نکرده‌ام ، ولی دیگران چُنین و چُنان گفته‌اند .

استاد صالحی پس از احرازِ یقین و اطمینان در مسائلِ موردِ بحثِ خویش ، با جُرأت و شهامتِ تمام آن را بیان می‌کرد و آرای دیگران را موردِ نقد و نقض قرار می‌داد و در این گونه موارد هیچ مصلحتی او را از بیانِ حقیقتی که

بدان دست یافته بود باز نمی‌داشت . در بیان مسائل علمی حوزوی کم‌تر کسی چون او با کمالِ شهامت اظهار نظر می‌کرد . بیانِ قاطعِ او ، ریشه در استقلالِ علمیِ توأم با ایمانِ او داشت .

9- حق‌پذیری و استقبال از منطق صحیح

استاد صالحی ، هرگاه سخنِ درست و مستدلّی را در ضمنِ مباحثِ علمی از کسی می‌شنید پس از بررسی ، آن را می‌پذیرفت و به تشویقِ ارائه‌دهندهٔ آن - اگر چه از کوچک‌ترین شاگردانِ درسش می‌بود می‌پرداخت . و اگر کسی با دلایلِ قوی‌تر بر او چیره می‌شد در اظهارِ نظریّهٔ طرفِ مقابل و بیانِ علنیِ آن برای شاگردان تأخیری روا نمی‌داشت و آن را می‌پذیرفت و بارها تذکّر می‌داد که تابعِ دلیل باشید نه مرعوبِ استاد و یا شخصیتِ علمی و اجتماعی افراد . چه بسا نظریّاتِ دانشمندانی بنام که سال‌ها بر اذهان حاکم بوده ولی سرانجام باطل اعلام شده است ؛ همچون نظریّهٔ بطلمیوس که حدودِ دو هزار سال بر اذهانِ دانشمندانِ فلکی حاکم بود و همه را تحتِ سیطرهٔ خود قرار داده بود ، ولی سرانجام معلوم شد که هیچ مبنای علمیِ استواری نداشته است .

نمونهٔ دیگر ، عظمتِ فقهیِ شیخِ طوسی است که سال‌ها اذهانِ فقیهانِ بعد از او را تحت‌الشعاع قرار داد ، به گونه‌ای که همگان در چارچوبِ استدلال‌های او پیش می‌رفتند ، ولی بعداً کسانی چون « ابن ادریس » بابِ جدیدی در اجتهاد گشودند و به تدریج از تقلید رهیدند .

10- کم‌نویسی اما پُخته‌نویسی

از ویژگی‌های بارز استاد صالحی ، اندک‌نویسی با کیفیتِ بالا بود نه زیادنویسی حجیم و بی‌محتوا . حجمِ آثار او نسبت به بسیاری از نویسندگان اندک است اما با محتوایی غنی و سرشار از تحقیق و دقت همراه است .

در تمامِ آثارِ او هیچ مطلبِ زائد و بی‌ربط و یا لفاظی پُر حجم و کم‌ارزش وجود ندارد . کلمه به کلمه نوشته‌های او حساب‌شده و از روی تأنی و تأمل است . این حقیقت را تنها کسانی درمی‌یابند که کتاب‌های او را به دقت خوانده و با آثارِ دیگران مقایسه کرده باشند . او همیشه به کیفیتِ نوشتار می‌اندیشید نه کمیت و حجیم‌بودن آن . در مقامِ نگارشِ مطالب ، بسیار کند پیش می‌رفت اما هر آنچه را می‌نوشت با تفکر و تعقل همراه بود . بارها می‌گفت :

« چیزی را می‌بایست انتشار داد که خلئی را پُر کند نه

اینکه بر حجم نوشته‌های بی‌خاصیت بیفزاید . کوشش کنید که در نوشتن صرفاً نَقال نباشید بلکه خودتان اجتهاد کنید اگر یک کتاب پُر محتوای صد صفحه‌ای را که خلئی پُر کند و گِرهی از مشکلاتِ علمی بگشاید ، ارائه دهید ، بهتر از صد جلد کتاب پُر حجم و بی‌محتواست که قفسه‌های کتابخانه را اشغال نماید . »

استاد صالحی در تمام نوشته‌هایش پُخته‌نویسی همراه با تحقیق را بر زیاده‌نویسی بدون تحقیق ترجیح داده و شیوه‌ای پیش پایِ اهلِ تحقیق نهاده که کاملاً بدیع و منحصر به او است .

برای کسانی که شیوه‌های گوناگونِ تحقیق در علومِ حوزوی و دانشگاهی را دنبال می‌کنند ، کاملاً روشن است که او شیوهٔ خاصّ خود را دارد و به تعبیرِ دیگر در این باره صاحبِ « منهج جدید » است . او آنچه را نوشته ، هم عاقلانه است و مدققانه و هم ادیبانه و در عین حال ، باطل‌ستیزانه و خُرافه‌گریزانه ، و سرشار از عِفّتِ قلم ، سلامت در نقد ، استقلال در علم ، آزاد اندیشی ، زیبانگاری و پُخته‌نویسی است .

به همین جهت است که نام و یادِ این فقیهِ نواندیش ،
 مفسرِ مدقق ، ادیبِ آریب و تحلیل‌گرِ عمیقِ تاریخ ، بر
 تارکِ حوزه‌های علمیه برای همیشه تاریخ خواهد درخشید
 و آثارِ پُربهایش او را جاودانهٔ تاریخ خواهد ساخت .
 آری ، اگر مرحومِ امام خمینی (رض) در آستانهٔ پیروزی
 انقلابِ اسلامی لقبِ « فقیه عالیقدر » را به آیت‌الله العظمی
 منتظری دادند . مرحومِ شهید مطهری سال‌ها پیش از آن
 طی نامه‌ای لقبِ « محقق عالیقدر » را به آیت‌الله صالحی
 نجف‌آبادی دادند و مقامِ علمی او را ستودند .

من هرگاه بر او وارد می‌شدم که بی‌هیچ جویای نام و
 نانی ، کارِ علمی خود را پیش می‌برد و تنها در صددِ تبیینِ
 حقایقِ نابِ والای دینِ مبینِ اسلام است و بس ، این شعر
 در ذهنم تداعی می‌شد :

در سبویی نهفته دریایی

یا به گنجی خزیده دنیایی

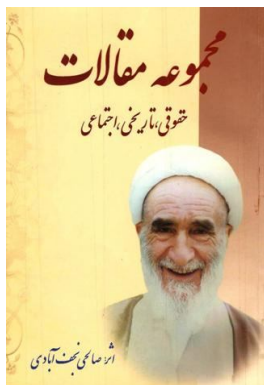
و امروز هم که شاهدِ رحلتِ آن مجمعِ فضل و فضیلت
 هستیم ، او را مصداقِ این شعر می‌دانم :

از شمارِ دو چشم ، یک تن کم

وز شمارِ خرد ، هزاران بیش

آثارِ مکتوب

آثارِ قلمی استاد صالحی بر اساسِ تاریخِ نگارشِ آنها عبارتند از :



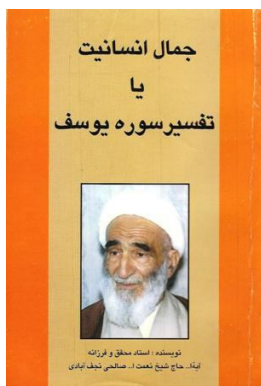
1- مجموعه مقالاتِ حقوقی ، تاریخی و اجتماعی

این اثر ، مجموعهٔ چهارده مقالهٔ جالب و خواندنی است که سیزده مقالهٔ آن پیش از انقلابِ اسلامی در سال‌های 1338 تا 1345 در نشریهٔ «مکتبِ تشیع» و مجلهٔ «مکتبِ اسلام» چاپ و انتشار یافته و مقالهٔ اخیرِ آن پس از پیروزی انقلابِ اسلامی به دعوتِ شورای مرکزی ائمهٔ جمعه دربارهٔ «مفهوم وحدتِ اسلامی» در سالِ 1363 نگارش یافته است .

عناوینِ مقالات به ترتیبِ تاریخِ نگارش عبارتند از :

1. رابطه حقوق و اخلاق (سال 1338)
2. علی (ع) در بسترِ شهادت (1339)
3. علی (ع) مردی که دنیا او را نشناخت (1340)
4. فاطمه (س) بانوی نمونه (1340)
5. عیدِ غدیر یا ولایت‌عهدی علی (ع) 1340
6. یک امتیازِ روشنِ قرآن (1340)
7. بانوی مهربان در کنارِ پدر (1340)
8. مقایسهٔ تواریخِ قرآن با کُتبِ عهدین (1341)
9. یک نیروی مرموز (1341)
10. گوشه‌ای از سیاستِ خارجی اسلام (1342)
11. چرا علی (ع) زمامداری را قبول کرد ؟ (1343)
12. آیا علی (ع) قاتلِ خود را بیدار کرد ؟ (1343)
13. آیا اسلام دینِ خون و شمشیر است ؟ (1344)
14. مفهوم وحدتِ اسلامی (1363)

هر چند در همهٔ این مقالات ، نکاتِ بدیع و حائزِ اهمّیت کم و بیش وجود دارد اما در دو مقالهٔ « آیا علی (ع) قاتلِ خود را بیدار کرد ؟ » و « مفهومِ وحدتِ اسلامی » نکاتِ بدیع‌تر و سؤال‌برانگیزتری که سر و صدای عده‌ای را نیز به دنبال داشت ، وجود دارد ولی نقدی که بتواند آن استادِ محقق را در ارائهٔ نظریاتِ جدیدی که در این دو مقاله عرضه داشته ، متقاعد و مُجاب سازد ، عرضه نگردیده است و سر و صداها بیش از آنکه با دلیل و بُرهان توأم باشد با ناسزاگویی به نویسنده و فشار بر ناشر چاپِ آن همراه بوده است .



2- جمالِ انسانیت یا تفسیرِ سورهٔ یوسف

این تفسیر که در نوعِ خود کم‌نظیر و از جهاتی بی‌نظیر است ، تفسیری روان ، تحلیلی ، انتقادی ، اخلاقی و

اجتماعی از سوره مبارکه یوسف است . پس از چاپ نخست آن در سال 1343 از طرف دولت طاغوت توقیف شد ولی چاپ دوم و سوم به صورت مخفیانه ارائه شد و در چاپ چهارم با حذف بخشی از مقدمه کتاب و کلماتی که خوشایند طاغوتیان نبود ، چاپ شد و چاپ‌های بعدی آن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به صورت کامل روانه بازار کتاب گردید .

استاد صالحی در این تفسیر ، تسلط و احاطه علمی خود را در علم تفسیر ، همراه با شیوه‌ای که ویژه خود ایشان است ، به منصفه ظهور رسانده است . در این کتاب ، نکات علمی و فنی - که بیشتر جنبه نقد آرای شماری از مفسران و طرد احادیث مجعول و بررسی تورات کنونی را دارد - در پانویست آمده است . او در دو مورد برخلاف همه مفسران شیعه و سنی نظر داده است :

یکی در تفسیر آیه « سَبَّحِ سُبُّلَاتِ خُضْرٍ وَ آخِرَ يَابِسَاتٍ ... »

و دیگری در تفسیر آیه « إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ ... »

و در یک مورد بر خلاف همه مفسران ، نظر نویسنده تفسیر المنار رشید رضا را در تفسیر آیه « وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ

بِهَا ... » تأیید کرده است و در سه مورد برخلافِ قولِ مشهورِ میانِ مفسرانِ نظر داده است .

اول : در تفسیر آیه « وَ شَرَوُهُ بِثَمَنِ بَخْسٍ ... »

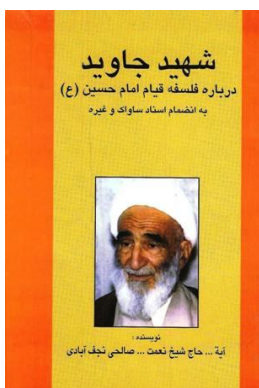
دوم : در تفسیر آیه « فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ ... »

سوم : در تفسیر آیه « وَ مَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ ... » .

این کتاب با قلمی روان و نگارشی دلپذیر از پُر جاذبه‌ترین تفاسیرِ تک‌نگاری به زبانِ فارسی دربارهٔ سورهٔ یوسف است که در آن جاذبهٔ قلم با زیباییِ نقد به هم درآمیخته است .

یکی از عالمانِ فاضلِ اهلِ سنّت ، پس از خواندنِ این تفسیر ، آن را اثری فوق‌العاده نیکو دانست و در پایانِ آن نوشت : ای وقتِ تو خوش که وقتِ ما کردی خوش !

این اثر بارها از سوی چند ناشر در قم و تهران ، چاپ و انتشار یافته است .



3 - شهیدِ جاوید

در این اثر ، فلسفه قیام امام حسین (ع) به صورتِ تحقیقی - تحلیلی موردِ بحث قرار گرفته است . شیوه‌ای که استاد صالحی در نگارشِ این کتاب به کار برده‌اند در نوع خود بدیع و عقل‌پسند است ، به تعبیرِ دیگر او در این کتاب « شیوهٔ عقلانی » را جایگزین « شیوهٔ عاطفی » در بررسی قیام امام حسین (ع) نموده است .

او نظرِ سید مرتضی و شیخ طوسی را در کتابِ « تلخیص الشافی » سوژهٔ کارِ خود قرار داده و به این نتیجه دست یافته که هدفِ قیام امام حسین (ع) نه شهادت بلکه تشکیلِ حکومتِ اسلامی بوده است . هرچند شهادتِ آرزوی آن حضرت بوده ولی هدفِ او از این حرکتِ اصلاحی ، در نهایت تشکیلِ حکومتِ اسلامی بر مبنای

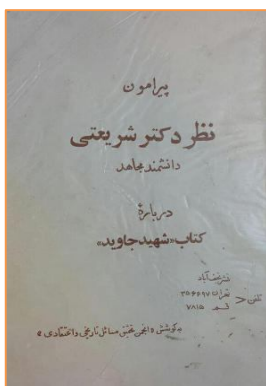
حکومتِ رسولِ خدا (ص) و علی (ع) بوده است . او می‌نویسد : « پیروزی نظامی برای امام ، مطلوبِ درجهٔ یک و صلحِ شرافتمندانه مطلوبِ درجهٔ دو و شهادت ، مطلوبِ درجهٔ سه بوده است ... ولی برای کُشته‌شدن هیچ‌گونه فعالیتی نکرد بلکه این عمالِ حکومتِ ضدِّ اسلام بودند که فرزندِ پیغمبر را کُشتند و چُنین خسارتِ بزرگی را بر جهانِ اسلام وارد ساختند . »

کتابِ « شهید جاوید » شاملِ پنج بخش و یک خاتمه است . عنوانِ بخش‌های آن عبارتند از : **عللِ قیام ، ماهیتِ قیام ، مراحلِ قیام ، هدفِ قیام ، نتایج و آثار .**

این کتاب تا کنون نزدیکِ بیست بار چاپ و انتشار یافته و در چاپ‌های جدید آن ضمیمه‌ای تحتِ عنوانِ « نقدِ شهید آگاه پاسخ به آیت‌الله آقای لطف‌الله صافی گلپایگانی » به آن اضافه شده است . در آغازِ کتاب ، تقریظِ چند تن از علمای معاصر بر آن درج گردیده است که از جمله آنهاست : آیت‌الله حسینعلی منتظری ، آیت‌الله علی مشکینی ، آیت‌الله سیدابوالفضل مجتهد زنجانی ، علامه محمدتقی جعفری ، استاد احمد آرام .

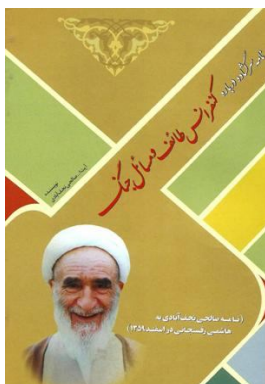
این کتاب سر و صداهای فراوانی را سبب گردید و در ردّ آن بیش از سیزده کتاب نوشته شد به گونه‌ای که بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین کتاب در تاریخ معاصر را می‌توان « شهید جاوید » دانست اما هیچ‌کدام از نقدها نتوانست نویسنده آن را قانع و مُجاب سازد . بدین جهت به عمده آنها جواب داد که کتاب « عصای موسی » و « نگاهی به حماسه حسینی شهید مطهری » از آن جمله‌اند .

پس از تألیف و نگارش این کتاب در سال 1349 بحث‌های همراه با جار و جنجال در حوزه علمی قم بر سر این کتاب به گونه‌ای داغ شد که محافل علمی و مساجد و منابر را تحت الشعاع خود قرار داد و ساواک هم برای تضعیف پیروان امام خمینی (رض) و کوبیدن آیت‌الله منتظری و دیگر حامیان امام ، به ایجاد اختلاف دامن زد . شرح این ماجرا را استاد صالحی نجف‌آبادی در کتاب « توطئه شاه بر ضد امام خمینی » با اسناد لازم یادآور شده‌اند .



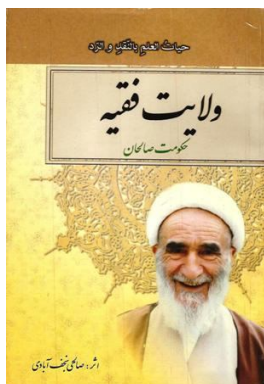
4 - پیرامونِ نظرِ دکترِ شریعتی دربارهٔ شهید جاوید

این اثر ، کتابچه‌ای است در هشتاد صفحه به قطع رُقیعی که بعد از انقلابِ اسلامی در آذر ماه 1359 تحریر یافته است . در این کتاب ، استاد صالحی ضمنِ تفسیرِ خطبهٔ « خُطَّ المَوْت » به نقدِ عالمانهٔ نظر دکتر علی شریعتی در نُه بند پرداخته و در پایانِ کتاب تحتِ عنوانِ « یک نکتهٔ اخلاقی و یک مقایسه » دیدگاهِ دکتر را با دیدگاهِ دو روحانی حوزوی مقایسه نموده است .



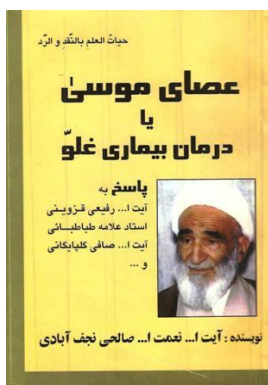
5 - نامه‌ای سرگشاده دربارهٔ کنفرانس طائف و مسائل مربوط به جنگ

این کتابچه در واقع نامه‌ای است که در اسفندماه 1359 توسط مرحوم آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی به رئیس وقت مجلس شورای اسلامی یعنی جناب آقای هاشمی رفسنجانی دربارهٔ اعتراض به شرکت نکردن ایران در کنفرانس طائف در عربستان سعودی نوشته شده اگرچه این کتابچه مربوط به کنفرانسی است که زمانش گذشته است ولی مطالب آن می‌تواند برای همیشه مورد توجه واقع شود و احیاناً برای نسل‌های بعد درسی از دیپلماسی معقول قرآنی و آموزه‌ای از مدیریت صحیح و چگونگی مذاکره با دشمن و یا برخورد با دشمنان به حساب آید .



6- ولایت فقیه حکومت صالحان

این کتاب ، فشرده بخشی از درس « خارج فقه » استاد صالحی در سال 61- 1360 در حوزه علمی قم است که پس از بحث و بررسی فراوان ، با قلم روان او نگارش یافته و دوبار چاپ و منتشر شده است . اساس بحث او در این اثر ، ضرورت تشکیل حکومت و انتخاب لایقترین و مدیرترین فرد از طرف مردم به عنوان رهبر به حکم عقل است . و تمسک او به روایات از باب ارشاد به حکم عقل و تأیید و تثبیت آن است ، نه اینکه اثبات ولایت فقیه متکی به اخبار و روایات باشد . در میان کتابهایی که در موضوع ولایت فقیه نگارش یافته ، این کتاب عقلانیترین آنهاست .



7- عصای موسی یا درمان بیماری غلُو

استاد صالحی در این کتاب به هشت نفر از ناقدان کتاب « شهید جاوید » پاسخ داده است . ترتیبِ عناوینِ جوابِ نقدها چُنین است :

1- پاسخ به آیت‌الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی

2- پاسخ به استاد علامه سیدمحمد حسین طباطبایی

3- پاسخ به آیت‌الله آقای زاهدی قمی

4- پاسخ به آقایان : آیت‌الله محمد فاضل و شهاب‌الدین اشراقی

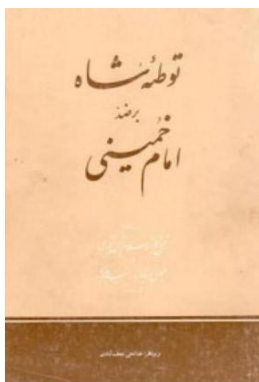
5- پاسخ به حجّت‌الاسلام سید احمد فهري زنجانی

6- پاسخ به حجّت الاسلام محمّد مهدی مرتضوی

7- پاسخ به حجّت الاسلام رضا استادی

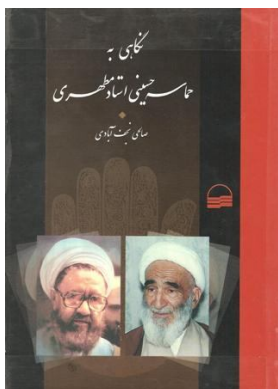
8- پاسخ به آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

این کتاب ، پیش از سال 1352 با نام مُستعارِ نویسنده یعنی « عبدالله مظلوم » چاپ شد اما پیش از صحافی ، عواملِ ساواک ، قُرْم های چاپ شده آن را با قدرتِ اسلحه از چاپخانه خارج و آن را خمیر کردند . سرانجام ، در سال 1380 در تیراژ 5000 جلد از سوی انتشاراتِ « امید فردا » در تهران انتشار یافت و موردِ استقبالِ اهلِ مطالعه واقع شد . در این کتاب ثابت شده است که پیغمبر و امام از غیب همان قدر می دانند که خدا آگاهشان کرده است نه بیش از آن .



8 - توطئه شاه بر ضد امام خمینی

محور اصلی این کتاب ، شرح توطئه عقیم مانده شاه بر ضد امام خمینی است و در آن درباره حیل‌هایی که ساواک درباره قتل مرحوم شمس‌آبادی و جریاناتِ مربوط به جنجالی که بر سر کتاب **« شهید جاوید »** ایجاد کرده بود ، به گونه مفصل و مستند بحث شده و اسناد و مدارکی که بیانگر نقش ساواک در ایجاد فتنه و غائله آن روزهاست ، افشا گردیده است . این اثر به گونه‌ای معرف بخشی از حوادث تاریخ مربوط به انقلاب اسلامی و سندی قابل توجه برای تحلیلگران عرصه ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی است .



9- نگاهی به حماسهٔ حسینی استاد مطهری

این کتاب ، نقدی عالمانه و محققانه بر کتاب سه جلدی شهید مطهری به نام « حماسهٔ حسینی » است . این اثر علاوه بر عمقِ مطلب و محتوا از گستردگی دامنه‌داری در موضوعاتِ موردِ بحث برخوردار است . در واقع نویسندهٔ آن بهترین شیوهٔ نقد را که توأم با احترامِ فراوان به شخصیتِ علمی شهید مطهری است در پیش گرفته است . چنین روشی می‌تواند درسی بس آموزنده برای همه نقدنویسان و نقّادانِ عرصه‌های گوناگون باشد . استاد صالحی در مقدمهٔ کتاب یادآور شده‌اند : « اگر عالمی در مسئله‌ای نظرِ عالمِ دیگر را نقد کند این به معنای آن نیست که آن دو عالم در دو صف هستند و در مقابلِ هم قرار دارند و بینِ آن دو معارضه و کُدورت وجود دارد بلکه به

معنای این است که اجتهادِ آن دو در این مسئله متفاوت است و طبیعی است که در این گونه بحث‌های علمی دلیل در مقابلِ دلیل قرار می‌گیرد نه عالمی در مقابلِ عالمِ دیگر. »

او انگیزهٔ نگاشتنِ این نقد را چنین بیان می‌کند: « پس از انتشارِ جلد سوم « حماسهٔ حسینی » یک بار همهٔ آن را با دقت خواندم و چنین دریافتم آن شهیدِ بزرگوار در طول چندین سال هر وقت کتابی را دربارهٔ امام حسین (ع) می‌خوانده‌اند یادداشت‌هایی به سرعت و به طورِ ابتدایی می‌نوشته‌اند که بعداً به آنها مراجعه کنند ... در این یادداشت‌های ابتدایی بعضی از برداشت‌های سطحی از کتابِ « شهیدِ جاوید » وجود دارد که مطابق با واقع نیست و نسبت‌هایی به این جانب داده شده است که برخلافِ حقیقت است ... در اینجا اگر من خاموش بنشینم گناه است و واجب است حقیقت را بگویم و برای بیانِ واقع و برای ثبت در تاریخ چاره‌ای جز نقد کردنِ نوشتهٔ معظمِّ له نداشتم و این اولین انگیزهٔ این جانب برای نوشتنِ این نقد بوده است که مرا به حکمِ عقل و شرع ملزم نموده که حقیقت را بگویم و از آن دفاع کنم و این پاسخ من است به کسانی که ممکن است بگویند: آیا با وجودِ این همه

مشکلات و مسائل اجتماعی حالا وقت نوشتن این گونه مطالب است ؟ »

آن گاه می‌افزاید : « اگر چه در اصل ، منظور این‌جانب فقط بررسیِ مُجلدِ سوم « حماسهٔ حسینی » آن هم فقط آن‌جاهایی که به « شهید جاوید » مربوط می‌شود بوده است ولی پس از مطالعه و بررسیِ مُجلدِ سوم لازم دانستم مُجلدِ اوّل و دوم « حماسهٔ حسینی » را نیز که از سخنرانی‌های شهید مطهری در موضوعِ قیامِ امام حسین (ع) بوده است ، بررسی کنم چون سخنرانی‌ها بر مبنای همان نوشته‌هایی بوده است که مُجلدِ سوم کتابِ مزبور را تشکیل می‌دهد و پس از بررسی هر سه مُجلد « حماسهٔ حسینی » لازم دانستم بحث را فقط به مواردی که به « شهیدِ جاوید » مربوط می‌شود منحصر نکنم بلکه مواردِ دیگری را نیز که نقد لازم دارد موردِ بحث قرار دهم ... نقدِ این موارد از این جهت ضرورت داشت که بسیاری از افراد مطالبی را که در « حماسهٔ حسینی » می‌خوانند به علتِ شهرت و شخصیتِ صاحبش گمان می‌کنند همهٔ آنها صد در صد صحیح است و گاهی آنها را در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود به دیگران منتقل می‌کنند بدون اینکه بتوانند صحیح را از غیر صحیح جدا کنند . »

بخش پایانی کتاب که عنوان « خاتمه » یا « مؤخره » دارد اختصاص به پیام یا پیام‌های این نقد مبسوط دارد :
« پیام کُلّی کتاب از آغاز تا انجام این است که ما باید گفته‌ها و نوشته‌ها و باورها و تحلیل‌های خود را در مورد تاریخ امام حسین (ع) بلکه همه شخصیت‌های بزرگ و الهی بر مبنای تحقیق استوار کنیم نه تقلید و نه اعتماد به هر نقل و هر گفته و نوشته‌ای . »

انصاف این است که استاد صالحی در این اثر کم‌نظیر بلکه از جهاتی بی‌نظیر ، حقّ مطلب را به نحو احسن آدا کرده و از جادّه عدل و انصاف خارج نشده است و چون او از راه استدلال این راه را طی کرده و به شیوه اجتهادی به نتایج مورد نظر خویش رسیده است اگر احياناً کسانی نظری غیر از نظر او را دارند و آن را نمی پسندند لازم است از راه اقامه دلیل وارد شوند و به شیوه اجتهادی نظر او را نقد کنند نه اینکه مخالفت با نظریات او جنبه تقلید از این و آن و پیروی کورکورانه از جناح و گروه خاصی داشته باشد .

استاد صالحی در نگارش این کتاب ، رنج فراوانی برده است اما رنجی که در دوران جمهوری اسلامی از توقیف و خمیرکردن چاپ نخست آن بُرد به مراتب بیشتر

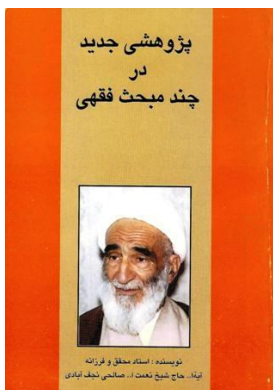
و جان‌کاه‌تر بود . یک روز که با هم سرگرمِ گفت و گو بودیم سخن از علّتِ مصادرهٔ کتاب به میان آمد ، با آه و افسوسِ معناداری گفت : « یک روز در تهران من و دکتر سیدجعفر شهیدی مهمانِ یکی از دوستانِ مشترک خود بودیم . اتفاقاً کسی که این کتاب را به دستورِ او توقیف و مصادره و سپس خمیر کرده بودند نیز در آن جلسه حضور داشت . من پس از احوال‌پرسی ، یادی از دورانِ تبعیدی‌ام در توپسیرکان نمودم که آن زمان او به ملاقاتم آمده بود . سپس نرم نرم به او گفتم : فلانی ! این کتابِ من که با مجوزِ ادارهٔ ارشاد چاپ شده بود ، شما بر اساسِ کدام قانون دستورِ توقیف و مصادرهٔ آن را صادر کردید ؟ او گفت : ما خودمان فوقِ قانونیم ! من نگاهِ معناداری به او کردم و دیگر چیزی نگفتم . آری ؛

شرح این هجران و این خونِ جگر

این زمان بگذار تا وقتِ دگر .

ولی سرانجام این کتاب پس از ده سال توقیف ، در زمانِ ریاست جمهوری جناب آقای سیدمحمد خاتمی چاپ شد و با استقبالِ اهلِ مطالعه مواجه شد . استاد صالحی خود دربارهٔ این کتاب می‌نویسد : « نگاهی به حماسهٔ حسینی استاد مطهری ، از جملهٔ تألیفاتِ من است که بیش از

تألیفاتِ دیگر برای آن زحمت کشیده‌ام و یکی از تألیفاتی است که از آن خشنودم و انتظار دارم طالبانِ حقیقت آن را با دقت بخوانند . کتابِ مزبور پس از انتشار ، موردِ استقبال واقع شد به طوری که در یک‌سال دوبار چاپ شد و بعضی از علما از جمله یکی از روحانیونِ اراک آن را تا سر حدِّ اعجاب تحسین کرد . من طالبانِ حقیقت را از خواندنِ آن بی‌نیاز نمی‌دانم . «



10- پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی

این اثر از جمله آثارِ بدیع و محققانه آن محققِ نامدار در شماری از مسائل فقهی است که تمام مباحث آن به شیوهٔ روان و استدلالی به رشتهٔ تحریر در آمده است . این کتاب در پنج فصل با عناوین زیر تنظیم یافته است :

فصلِ اوّل ؛ یک بحثِ اجتهادی در طهارت و نجاست

فصلِ دوم ؛ اجتهادِ بسته و اجتهادِ باز

فصلِ سوم ؛ بحثی دربارهٔ اخبار کُرّ

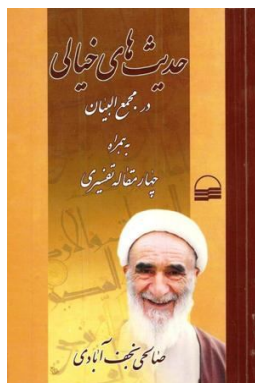
فصلِ چهارم ؛ مربوط به کُمیسونِ 7 - تحقیقات

فصلِ پنجم ؛ بحثی مقدّمی دربارهٔ طهارتِ کافر

مطالب و محتوای این کتاب ، نمونهٔ « فقهِ پویا » و « الگویی اجتهادی » برای فقه‌پژوهان جوانِ حوزه‌های علمیه است . این اثر ارجمند در نوآوریِ فقهی به گونه‌ای یادآورِ نظریّاتِ فقیهانی چون « ابن ابی‌عقیل عُمانی » (قرنِ 4) ، « ابن جُنیدِ اسکافی » (قرنِ 4) ، « سید مرتضی » (قرنِ 4) و « ابن ادریس » (قرنِ 6) است .



نویسنده و مرحوم استاد صالحی



11- حدیث‌های خیالی در تفسیرِ مجمع‌البیان به همراه چهار مقاله تفسیری

این کتاب ، شامل پنج مبحثِ دقیقِ قرآنی به ترتیبِ زیر
است :

مبحثِ اوّل ؛ حدیث‌های خیالی در تفسیرِ مجمع‌البیان

مبحثِ دوم ؛ حکمِ أُسرای جنگی در قرآن و نقدِ سخنانِ
مفسّران

مبحثِ سوم ؛ تفسیرِ آیهٔ « رَفَث » و نقدِ سخنانِ مفسّران

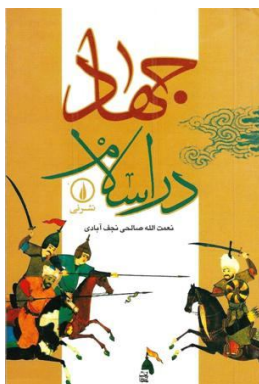
مبحثِ چهارم ؛ دو نزول برای قرآن یا یک نزول ؟ و نقدِ
سخنِ علامهٔ طباطبایی در المیزان

مبحثِ پنجم ؛ تفسیرِ آیهٔ مُحاربه و احکامِ فقهیِ آن

در تمام مباحث پنجگانه‌ای که مؤلف محقق انجام داده نوآوری‌های تفسیری همراه با تحقیق و تتبع فراوان در آنها آشکار است. کسانی که اهل تفسیرند پس از مطالعه این کتاب درخواهند یافت که این اثر، مصداق بارز «تدبیر در قرآن» است. تدبیری که شیوه تفسیر قرآن با قرآن را همراه با بررسی روایات مربوط بدان و نقادی سخنان مفسران را به درستی آموزش می‌دهد و روش ژرف‌نگری در قرآن را به خواننده می‌آموزد.



مرحوم استاد صالحی نجف‌آبادی



12- جهاد در اسلام

این کتاب ، محصولِ درس‌های « خارجِ فقه » استاد صالحی (ره) در حوزهٔ علمیّه قم بر اساسِ متنِ کتابِ الجهاد « شرایع الاسلام » محققِ حلّی است که مدّت‌ها به طول انجامید . تمامی این دروس را این‌جانب به طورِ خلاصه می‌نوشتم و پس از پایان هر درس مجدداً آنها را از روی نوارِ کاستِ درسی بازنویسی و کامل می‌کردم و پانوشت‌هایی نیز بدان می‌افزودم . پس از اتمامِ مباحثِ جهاد ، استاد صالحی گفتند : می‌خواهم مطالبِ دروسِ جهاد را به گونه‌ای که قابلِ استفاده برای همگان باشد بازنویسی کنم و آن را به صورتِ کتابی به زبانِ فارسی عرضه نمایم . به همین جهت مجموعِ تقریراتِ درس را از من به عنوانِ امانت گرفتند و بر اساسِ آن ، کتابِ « جهاد

در اسلام « را مُجَدِّدًا به قلم شیوا و روان با سبک استدلالی و عقل‌پسند نوشتند و به انتشارات نشر نی سپردند که پس از چاپ و انتشار با استقبال اهل تحقیق مواجه گشت. این اثر فقهی - اجتماعی که در نوع خود کم‌نظیر و از جهاتی بی‌نظیر است، در چهار فصل ارائه شده است :

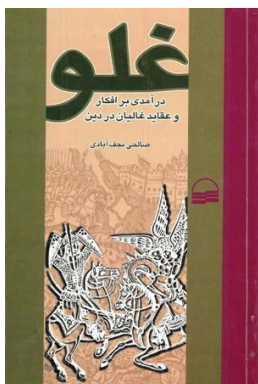
1- فصلِ اوّل ؛ اصل جنگ است یا صلح ؟

2- فصلِ دوم ؛ جهاد با بُغَاة

3- فصلِ سوم ؛ اُسرای جنگ

4- فصلِ چهارم ؛ غنایم جنگ

در این کتاب، ضمن تفسیر دقیق آیات جهاد در قرآن کریم، آیات مطلقات بر مقیدات حمل گردیده و جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) مورد بحث قرار گرفته و این نتیجه به دست آمده که همه جنگ‌های رسول خدا (ص) دفاعی بوده است نه ابتدایی. آن‌گاه مفهوم « غنایم »، « اَنفَال » و « فِیء » مورد بحث قرار گرفته و سخنان مفسران و فقیهان شیعه و سنی در این باره به شیوه نیکویی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و « کتاب جهاد » با بحثی دقیق و عمیق در مفهوم « ذی القربی » به پایان رسیده است.



13- غُلُو؛ درآمدی بر افکار و عقایدِ غالیان در دین

استاد صالحی در این اثر، پیروانِ مذاهبِ اسلامی را دعوت به اعتدال و میانه‌روی در اندیشه و عمل نموده و آنان را از هرگونه زیاده‌روی و افراط و تفریط در عقاید و عمل برحذر داشته است. این کتاب، در موضوع خود اثری پُر جاذبه و قابل استفاده برای همهٔ طبقاتِ اهل مطالعه است. مطالب و محتوای کتاب در دو فصل تنظیم یافته است:

فصلِ اوّل؛ غُلُو یک جَرِیانِ فکریِ انحرافی.

فصلِ دوم؛ مثلثِ شوم.

در فصلِ اوّل به جریانِ غُلُو در میانِ مذاهبِ اهلِ سنّت پرداخته و در فصلِ دوم، غالیانِ مذهبِ شیعه را بر شمرده

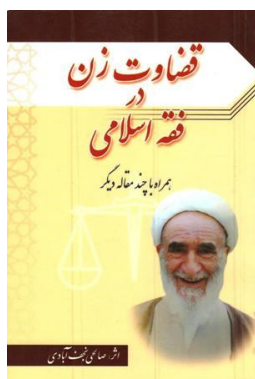
و در هر یک به ذکر نمونه‌هایی از غُلُو در گفتار و نوشتار سه دسته از غالیان پرداخته است و آنان را مثلثِ شوم نامیده است که :

دستهٔ اوّل : دشمنانِ ائمّه‌اند .

و دستهٔ دوم : عشرت‌طلبانِ کامجو و هرزه‌اند .

دستهٔ سوم : بعضی از دوستانِ افراطیِ دلباختهٔ ائمّه‌اند .

این سه گروه مجموعاً مثلثی تشکیل می‌دهند که نویسنده آن را « مثلثِ شوم » نامیده است . زیرا آثار زیان‌آور و ضدّ اسلام آنان برای جهان اسلام بسیار شکننده و تلخ بوده است . این کتاب یکی از آثار بسیار ارزشمندی است که جامعهٔ ما امروزه بیش از هر زمانِ دیگری نیازمند بیانِ حقایق و حق‌گویی‌های آن است . به ویژه آنکه در سال‌های اخیر جریانِ خُرافه‌گویی و غُلُوپرَدازی به نام دین و مذهب در مراسمِ مذهبی به وسیلهٔ شُماری از مدّاحان ، بازارِ گرمی پیدا کرده است .



14- قضاوتِ زن در فقهِ اسلامی همراه با چند مقالهٔ دیگر

این کتاب شاملِ یازده مقالهٔ تحقیقی در موضوعاتِ زیر است :

- 1- قضاوتِ زن در فقهِ اسلامی
- 2- اپوزیسیون در صدرِ اسلام
- 3- تطبیقِ قیامِ امام حسین (ع) با موازینِ فقهی
- 4- دو سؤال دربارهٔ قیامِ امام حسین (ع)
- 5- تفسیرِ رمزی کعبِ الأَحبار
- 6- بحثی در تفسیرِ آیهٔ مودّت
- 7- نقدِ نظریهٔ دکتر علی شریعتی در کتابِ « شهادت »

8- تعدّد زوجات در اسلام

9- افسانه‌ای در قالب حدیث

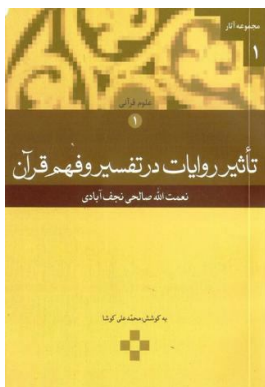
10- اقوالِ علما در علمِ امام

11- نقدی کم‌حجم بر کتابی پُر حجم

در تمامی این یازده مقاله ، روح تحقیق و حقیقت‌جویی نویسنده ، به وضوح نمایان است . هدف اصلی او در نگارش و تحقیق این کتاب ، مبراً ساختن دین مبین اسلام از هرگونه افکار انحرافی و خُرافی و شناخت کامل قرآن و سنت پیامبر (ص) و آل طاهرين او و پرهیز از هرگونه تقلید کورکورانه در مسائل اعتقادی است .

در میان مقالات مزبور ، دو مقاله « اقوالِ علما در علم امام » و « نقدی کم‌حجم بر کتابی پُر حجم » اهمیت بیشتری دارند ؛ به ویژه آنکه در مقاله دهم بحث پُر جاذبه و با اهمیتی درباره علم امام معصوم عرضه نموده و به نقد و بررسی سخن شماری از مشاهیر حوزوی پرداخته است اما مقاله یازدهم که آخرین اثر مکتوب آیت الله صالحی است و آن هم در بحران کسالت ناشی از سرطان معده به حکم ناچاری آن را نوشته‌اند ؛ زیرا نمی‌خواستند که کتاب پُر حجم حجت الاسلام رضا استادی که در 608 صفحه

حاوی اعتراضات و انتقادهای سال 1349 و 1350 جمعی از علمای حوزه و روضه‌خوانان و مداحان بر ضد کتاب « شهید جاوید » است ، بی‌جواب بماند . در عین حال در آخرین تماس تلفنی که با آن مرحوم داشتم ، گفت : « من به خاطر کتابی که آقای استادی تحت عنوان « شرح حال کتاب شهید جاوید » نوشته دو تشکر دارم . یک تشکر از خداوند متعال که چنین توفیقی را به آقای استادی داده و یک تشکر هم از جناب آقای استادی که زحمت جمع‌آوری مطالب متفرقه مربوط به « شهید جاوید » را کشیده است . تشکر من از آقای استادی به جهت این است که کتاب ایشان را هر کس بخواند ناچار می‌شود به اصل کتاب من که « شهید جاوید » است مراجعه کند و آن را نیز مطالعه نماید ! در واقع آقای استادی با این نقد به هر انگیزه‌ای که آن را نوشته باشد به من خدمت بزرگی کرده است و ناخواسته و ناخودآگاه کتاب « شهید جاوید » را تبلیغ کرده است ! » استاد صالحی در این نقد نه صفحه‌ای به لب مطلب و اساس نقد آقای استادی جوابی عالمانه داده ، جواب‌های او تحت عنوان « هفت نقطه ضعف » به طور خلاصه ، مطالب نقد آقای استادی را به نقد کشیده است و مقاله را با نقل دو سخن از امام خمینی (رض) و جرح و تعدیل آنها به پایان برده است .



15- تأثیر روایات در تفسیر و فهم قرآن

بعد از رحلتِ مرحوم استاد (16 اردیبهشت 1385) ، وارثینِ ارجمندِ آن مرحوم ، مجموعهٔ مخطوطاتِ چاپ نشدهٔ تحقیقی و تألیفیِ ایشان را برای آماده‌سازی جهتِ چاپ و نشر در اختیارِ این جانب قرار دادند و من نیز در طولِ بیش از دو سالِ تمام به تنظیم ، ترتیب و استخراجِ تمامیِ دست‌نوشته‌های موجود پرداختم و آنها را پس از دسته‌بندی ، تصحیح و تحقیقِ لازم ، با صرفِ وقت و حوصلهٔ فراوان ، پس از مرحلهٔ حروفچینی ، مقابله و نمونه‌خوانی و در نهایت آماده‌سازی کامل ، آمادهٔ چاپ نمودم . « تأثیرِ روایات در تفسیر و فهمِ قرآن » نخستین کتابی است که بعد از رحلتِ آن مرحوم از مجموعهٔ آثارِ مخطوطِ ایشان تحتِ عنوانِ « مجموعه آثارِ شمارهٔ 1 -

پژوهش‌های قرآنی « به تصحیح و کوشش اینجانب در
260 صفحه تدوین و از طرف انتشاراتِ صحیفه خرد در
سال 1391 منتشر شد . عناوین و موضوعاتِ آن :

- سخنِ مصحح

- بحثی در مفهوم متشابه و تأویل در قرآن

- در باره رساله محکم و متشابه منسوب به سید مرتضی

- نقشِ روایات در تفسیرِ قرآن

- سیری در داستانِ طالوت

- تفسیرِ أنعمت علیهم در نگاهِ روایی

- تفسیرِ ألم در نگاهِ روایی

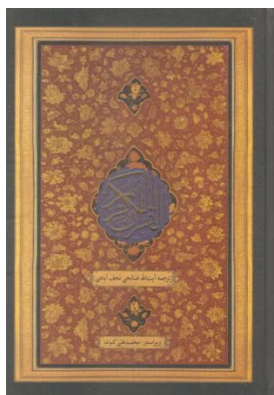
- تفسیرِ 10 آیه از سوره انسان ، فضیلتی بزرگ برای اهلِ

بیتِ اطهار

- تأثیر ایمان در عمل

- تفسیرِ آیه فاقتلوا أنفسکم

- سی درسِ قرآنی برای جوانان

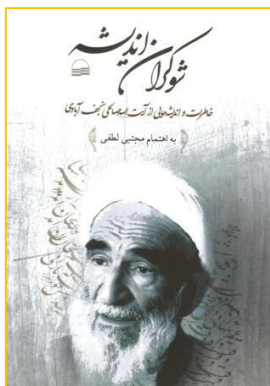


16- ترجمه قرآن کریم

این ترجمه با ویراستاری اینجانب ، و توسطِ نشرِ کویر به سال 1394 در تهران چاپ و منتشر شده است که در ردیفِ دقیق‌ترین ترجمه‌های قرآنِ کریم تا کنون از نوعِ تطبیقی آنها به حساب می‌آید .

این ترجمه به صورتِ صفحه‌مقابل و در بعضی صفحه‌ها دارای پاورقی است در انتها هم سخنی از ویراستار در 22 صفحه درج شده است .

در سال 1385 ترجمه‌ای از « قرآنِ کریم » با محوریتِ ترجمهٔ مرحومِ صالحی از طرفِ مرکز فرهنگ و معارفِ قرآن توسطِ نشرِ بوستانِ کتاب منتشر شده بود .



17- شوکران اندیشه (خاطرات و اندیشه‌هایی از آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی)

این اثر به اهتمام مجتبی لطفی با مقدمه اینجانب در 431 صفحه توسط نشر کویر در سال 1395 منتشر شده و شامل عناوین ذیل است:

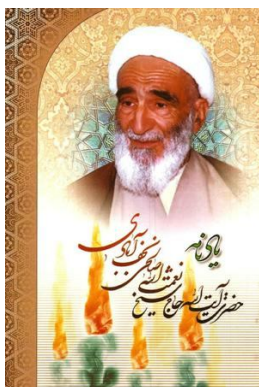
یاداشت و دیباچه

دفتر اول؛ تولد، خانواده و فعالیت‌های علمی

دفتر دوم؛ خاطرات و مبارزات سیاسی

دفتر سوم؛ آغاز و انجام شهید جاوید

ضمائم



* یادنامه حضرت آیت الله شیخ نعمت الله صالحی
نجف آبادی

این یادنامه به مناسبتِ اولین سال درگذشتِ آن مرحوم در
اردیبهشتِ 1386 در 248 صفحه تدوین و منتشر شده که
شامل چهار قسمت است :

- پیامهای تسلیت

- مقالات (هشت مقاله)

- پیوستها

- عکسها

فهرستِ مجموعهٔ آثارِ آیت‌الله صالحی

آثارِ ارجمند و ماندگارِ استادِ گرانمایه و محققِ عالیقدر حضرتِ آیت‌الله مرحوم حاج شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (ره) به طورِ کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند :

1- آثارِ چاپ‌شده که شامل 17 کتاب است .

2- آثارِ مخطوط و چاپ نشده که عبارتند از :

الف - پژوهش‌های قرآنی

1- بحثی در آیهٔ مودّت

2- تحقیقی در تفسیرِ آیهٔ تطهیر (به عربی و ترجمهٔ آن به

فارسی به قلمِ محمد جوکار)

3- تفسیرِ آیهٔ اولوا الأمر

4- تفسیرِ اهدنا الصّراط المستقیم

5- دربارهٔ رسالهٔ محکم و متشابه منسوب به سید مرتضی

6- مسئلهٔ عصمت

7- تفسیرِ آیهٔ هفتمِ سورهٔ حمد در نگاهِ روایات

8- ترجمه و تفسیر کوتاه ده آیه از سوره بقره

9- ترجمه و تفسیر کوتاه هفده آیه از سوره حُجُرَات

10- ملاحظاتی درباره فرهنگ قرآن کریم

ب - پژوهش‌های فقهی

1- بحثی در لیالی مُقِمِرَه (به عربی و ترجمه آن به فارسی
به قلم محمد جوکار)

2- مباحث استدلالی خُمس و اَنفَال

3- حُکْم معصیتِ مُقَارَن چیست؟

4- پاسخ به نقدِ محمدجواد محدثین در روزنامه ایران
(درباره شهادتِ مرد و زن)

5- فتاوی غریبه شافعی در کتاب الأُمَّ

6- فتاوی غریبه اهلِ سنّت در منابع فقهی

ج - پژوهش‌های تاریخی و حدیثی

1- سیری در تاریخ اسلام

2- مجموعه امام‌شناسی به روایتِ راویان

- 3- بحثی کوتاه در باره واژه « خاصه » و « عامه »
- 4- تأملی در حدیث « قَرْضُوهَ بِالْمَقَارِیضِ »
- 5- درنگی کوتاه در یک حدیث نبوی در باب جعل حدیث
- 6- مبنای کتاب « تلخیص الشافی »
- 7- انگیزه سلیمان از تهدید ملکه سبا
- 8- بررسی حدیث « إِنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلاً »
- 9- غرایب روایات ابوسمینه کذاب
- 10- بررسی خطبه « غدیریّه » در احتجاج طبرسی
- 11- مطالبی در باره کلینی و کافی
- 12- تحقیقی در حدیث کساء
- 13- آخرین سال عمر پیامبر (ص) و داستان غدیر خم
- 14- اسامی رجال از تاریخ طبری
- 15- اظهارات بدون دلیل (یادداشت‌هایی بر کتاب علی خداوند علم و شمشیر از ذبیح‌الله منصوری)

16- مطالبی از کتاب « عایشه پس از پیامبر » از ذبیح‌الله
منصوری

17- برنامه دینی پیشوای خاتم

18- تاریخچه حدیث‌سازی

19- تحمّل مخالف

20- درس‌هایی از نهج‌البلاغه

21- صلح مقدّس

22- فواید رجالی

23- معنای شیعه

24- منابع نجاشی در فهرست

25- بررسی حدیث همّام

26- آغاز بعثت رسول‌الله

27- أقسام تحمّل حدیث

28- رجال حدیث اول

29- حدیث جعلی وهب بن مُنبّه

30- فهرستی از روایاتِ جَرّی و تطبیق در المیزان

31- قُشونِ مسلمین در جنگِ بَدْر

32- سخنی در مستنداتِ کتابِ شهیدِ جاوید

33- نام‌های فرزندان و همسرانِ علی بن ابی طالب (ع)

د - مجموعه نقد و نظر

1- پیرامونِ نظرِ دانشمند مجاهد دکتر علی شریعتی دربارهٔ شهیدِ جاوید

2- نقدِ کتابِ « هفت ساله چرا به صدا آمد ؟ »

3- نقدِ کتابِ « دفاع از اسلام و روحانیت »

4- نقدِ مقالهٔ آقای مهدی چهل‌تنی به کتابِ نگاهی به حماسهٔ حسینی

5- داستانِ در آوردنِ تیر از پای علی علیه‌السلام در حالِ نماز

6- ضرورتِ تحقیق در چند موضوع

7- نامه‌های دریافتی و ارسالی در بارهٔ فلسفهٔ قیامِ سالارِ شهیدان

8- یک مصاحبه با نویسنده شهید جاوید

نوارهای درس‌های خارجِ فقه ، رجال و تفسیر

از مجموعه نوارها تا کنون موضوعات زیر به دست آمده است :

(الف) مباحثِ تفسیری و فقهی سوره انفال 130 درس

(ب) مباحثِ فقهی کتابِ الجهاد ، 73 درس

(ج) مباحثِ ولایتِ فقیه در حوزه قم ، 40 درس

(د) نقد و بررسی تاریخِ اسلام ، 10 درس

(ه) درس‌های ولایتِ فقیه در داران و فریدن ، حدود 18 درس

(و) بررسی حدیثِ طلحة بن زید عامی ، 9 درس

(ز) سخنرانی‌های تبلیغی در نجف‌آباد ، 10 جلسه

(ح) نوارهای دروسِ مختلف بیش از 80 درس

(ط) نوارهای متفرقه حدود 200 درس

باقیمانده آثارِ مخطوط و همچنین تمامِ درس‌های مرحومِ استاد صالحی کم و بیش از نوآوری‌های ویژه‌ای برخوردار است . یادداشت‌های برجای مانده او حکایت از اندیشه‌ورزی و تأمل و دقتِ او در کشفِ واقعیاتِ معارفِ دین است نه مطلب‌بافی و کتاب‌سازی ! در عینِ حال اگر آن مرحوم ، عُمرِ بیشتری می‌یافت قطعاً این آثار را بیش از آنچه که هست دقیق‌تر و پخته‌تر عرضه می‌نمود .

بیشترِ آثارِ مخطوطِ مرحومِ استاد صالحی نجف‌آبادی را دستنوشته‌ها ، پیش‌نویس‌ها و فیش‌برداری‌های متفرقهٔ ابتدایی تشکیل می‌دهد که خود قصدِ تکمیلِ آنها به صورتِ مبسوط داشته اما عُمرش وفا نکرد .

این آثار گرچه تا حدودی مختصر و مجمل می‌نماید ولی برای اهلِ تحقیق می‌تواند مفید و راهگشا باشد ، به ویژه آنکه در لا به لای نقلِ احادیث و اقوالِ دیگران برداشتهای نوینی نهفته است که علاوه بر جنبهٔ فنی و ارائهٔ شیوهٔ نقد و بررسی ، بابِ تأمل و دقت را به روی خوانندهٔ آن می‌گشاید به گونه‌ای که کم‌ترین فایدهٔ این آثار ، ایجادِ حسِّ کُنْجکاوی ، پُرسشگری و تحقیق در خواننده است که یکی از ویژگی‌های نسلِ عصرِ ماست . نسلی که نیازمندِ پاسخهای عقلانی و علمی و تشنهٔ حقایقِ

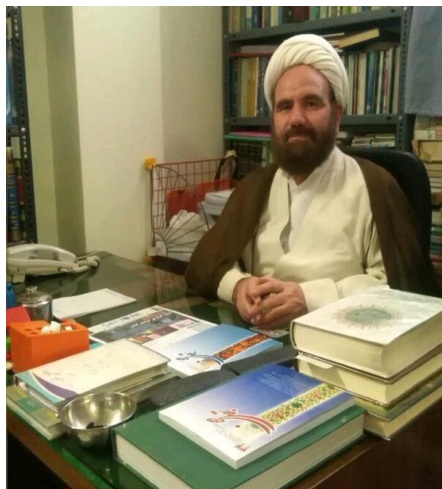
ناب از سرچشمه زلال معرفتِ وحی با معرفی دین‌شناسانِ واقعی است . اکنون کوشش و تلاش بر این است که همه دست‌نوشته‌های آن استادِ فرزانه ، بدون تغییر و تحریف عرضه شوند ؛ در نهایت هرگاه در مواردی نکته‌ای لازم به توضیح بوده است با قیدِ « توضیحِ مصحح » در پانوشت ذکر گردیده است .

در اینجا بر خود لازم می‌دانم ضمنِ آدای احترام به همه بازماندگان و بستگانِ آن عالمِ فقید ، از دو فرزندِ برومند ، فرهیخته و آگاهِ مرحومِ حضرتِ استاد ، آقایان : حاجّ آقا مهدی صالحی و دکتر محسن صالحی دامت توفیقاتهما که به حقّ خَلَفِ صالح و متدینِ مرحومِ آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی (ره) هستند ، تشکر و قدردانی نمایم که میراثِ ماندگارِ پدرِ بزرگوارِ خویش را به وجهِ أَحْسَن حفظ نموده و با اقدام و مساعی خیرخواهانه خویش از طریق چاپ و نشر ، برای همیشه آنها را به حافظهٔ فکر و فرهنگِ دانش‌های ایران زمین سپرده‌اند .

در پایان بر خود لازم می‌دانم از همهٔ عزیزان دست‌اندرکارِ تایپ ، تصحیح ، نمونه‌خوانی ، مأخذیابی و صفحه‌آرایی ، به ویژه از مساعی و کوشش‌های صادقانهٔ برادرِ مؤمن و پُر تلاشِ جنابِ آقای محمدسعید پورحیدری

که در تنظیم ، ترتیب ، دسته‌بندی مجموعه آثار مرحوم استاد آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی این‌جانب را یاری رسانده و در آماده‌سازی این نوشته‌ها به صورت کتاب ، تلاش نموده و همچنین از دوست قرآن‌پژوه فاضل آقای مهدی یاقوتیان که با حُسنِ سلیقه‌ خویشتن ویراستاری و صفحه‌آرایی این بخش را به نحو احسن انجام دادند ، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری نمایم .

قم - پاییز 1395 (محمدعلی کوشا)



محمدعلی کوشا